

بانو فخرالدوله و مسئله‌ی لشت نشاء

دکتر محمد کلهر^{۱*}. صدیقه غلامحسین^۱

چکیده

بررسی اسناد و مدارک دعاوی ملکی در جوامع سنتی، یکی از مباحث مورد توجه پژوهشگران امروزی عرصه‌ی تاریخ است. از آنجا که در جوامع مردسالار سنتی، اغلب مالکیت با مردان است، معمولاً طرفین دعاوی ملکی، شاهدان و میانجی‌ها همگی جزو مردان بوده‌اند. کما این که در جوامع سنتی دعاوی ملکی امری مردانه تلقی می‌گردد. اما اختلاف ملکی میان خاندان امینی و میرزا کریم خان رشتی خان اکبر که از دوران انقلاب مشروطیت تا دوران دولت رضاخان به طول انجامید، از این قاعده مستثناست. زیرا اشرف الملوک فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه به دلیل فقدان کاردانی و لیاقت همسرش محسن خان امینی، نخستین بار وارد دعاوی ملکی مزبور گردید و سرانجام با درایت و بهره‌مندی از اوضاع سیاسی توانست بر رقیب متنفذ خود- میرزا کریم خان رشتی- فایق گردد. مقاله‌ی حاضر بر آن است تا ضمن بررسی موقعیت ویژه‌ی لشت نشاء و ارتباط خاندان‌های امینی و خان اکبر با این منطقه، به روند پیدایش اختلاف و دلایل میانجی‌گری رضا خان رئیس الوزراء، در این خصوص پردازد.

واژگان کلیدی: لشت نشاء، فخرالدوله، خاندان امینی، میرزا کریم خان رشتی خان

اکبر

۱. گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران.

مسئول مکاتبه: Kalhor72@yahoo. Com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲

تاریخ ورود: ۹۲/۴/۵

مقدمه

مسئله‌ی اختلاف ملکی میان خاندان امینی و به ویژه فخرالدوله با میرزا کریم خان رشتی، در برخی خاطرات و تذکره نویسی‌های تاریخ معاصر ایران درج شده است. در اغلب این منابع، نویسندگان به فراخور موضوع، در خصوص فخرالدوله، خاندان امینی و میرزا کریم خان رشتی و خاندان خان اکبر، ضمن ارائه‌ی مطالبی در خصوص افراد و خاندان‌های مورد نظر، به مسئله‌ی دعاوی ملکی در خاندان امینی درباره‌ی لشت نشاء اشاره کرده اند.

در میان خاندان امینی، متأسفانه از فخرالدوله مطلبی به جای نمانده است. اما علی امینی و پسرش ایرج، هر یک به مناسبتی به مسئله‌ی لشت نشاء اشارت‌هایی نموده اند که به دلیل خطاهای سهوی و یکسونگری‌های خانوادگی تا حدودی فاقد عینیت‌های تاریخی هستند. البته میرزا کریم خان بر خلاف خاندان امینی در همان گرما گرم دعاوی لشت نشاء حدوداً در سال ۱۳۳۵ هجری قمری / ۱۲۹۶ هجری شمسی، از طریق مطبعه‌ی روشنایی در خیابان علاءالدوله اقدام به انتشار کتابچه‌ای با نام (کشف حقیقت) نمود. وی در این کتابچه با ارائه‌ی ۳۲ سند در صدد اثبات حقانیت دعاوی خود برآمد. پژوهش حاضر بر آن است که ضمن بررسی اسناد و مدارک مربوط به لشت نشاء، پیامدهای سیاسی حکمیت رضاخان را مورد مذاقه قراردهد تا علل و عوامل پیروزی فخرالدوله بر میرزا کریم رشتی - دعاوی ملکی - که عرصه‌ای مردانه محسوب می‌شد، آشکار گردد.

نگاهی به لشت نشاء و پیشینه آن

لشت نشاء یکی از بخش‌های مهم شهرستان رشت در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی رشت واقع شده است. این بخش از شمال به دریای خزر، از جنوب به بخش کوچصفهان، از شرق به بخش کياشهر و از غرب به بخش خشک بیجار محدود است. این بخش شامل سه دهستان، به نام‌های بندر زیباکنار، بالا کفشه و جیرمند، و ۴۲ پارچه آبادی است (رزم

آرا، ۱۳۲۸:۲۷۲؛ حقیقت، ۱۳۷۱:۲۴۰) وجود سفیدرود در این منطقه سبب حاصلخیزی و رونق مزارع شالیکاری شده است (اطلس. گیتاشناسی، ۱۳۸۳:۱۱۱)

پیشینه‌ی لشت نشاء به قبل از اسلام باز می‌گردد. وجود خشت های ساقی مزار- مفر حکام لشت نشاء - خود دلیلی بر این مدعاست (ستوده، ۲۰۲: ۱/۱۳۷۱) اهالی لشت نشاء جزو اولین شیعیان گیلان محسوب می شدند که همسو با جنبش علویان علیه حکام دست نشانده خلفای عباسی قیام نمودند (عباسی، ۱۳۸۷، ۷۲) لشت نشاء به مدت دو قرن (قرون ۸ الی ۱۰ ق) نخست حکومت شیعی آل کیا بود (همان: ۸۵) با به قدرت رسیدن صفویان، لشت نشاء مورد توجه ایشان واقع شد. اما مقاومت اهالی سبب شد تا شاه عباس (۱۰۳۸- ۹۹۶ ق) دستور سرکوب و قتل عام ایشان را صادر کند (فومنی، ۱۳۹۰: ۱۱۷۷) اگر چه اهالی لشت نشاء توسط شاه عباس سرکوب شدند اما شرکت گسترده‌ی ایشان در قیام غریب شاه بیانگر تداوم مقاومت ایشان در زمان شاه صفی (۱۳۵۲- ۱۳۳۸ ق) بوده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۱۷۹؛ ملکم، ۱۳۶۲: ۱۸۸؛ پاینده ۱۳۵۷: ۷۶-۶۶؛ مهدوی لاهیجانی، بی تا: ۱۳۵) بعد از سرکوب قیام غریب شاه اراضی لشت نشاء جزو املاک سلطنتی گردید (عباسی، ۱۳۸۷: ۶۰)

این رویه تا عصر قاجار تداوم یافت فتحعلی شاه اراضی لشت نشاء را به عنوان تیول به-یکی از خواجگان دربارش به نام خسروخان واگذار نمود (مهدوی لاهیجانی، بی تا: ۱۷۴) وی اغلب آبادی های لشت نشاء را به ثمن بخش اتباع نمود و موجبات نارضایتی اهالی را فراهم نمود. اهالی حاجی کاظم خان نایب الحکومه را که از ارامنه-ی نومسلمان بود را برای شکایت به تهران فرستادند. اما وی در راه بازگشت از تهران به قتل رسید. از این رو اهالی در سال ۱۲۳۴ ق، علیه خسروخان شوریدند. فتحعلی شاه، خسروخان را به تهران احضار نمود و تمامی اموال و املاک او را مصادره و اراضی لشت نشاء را خالصه اعلام نمود (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۴/۷۷۵۴؛ رایینو، ۱۳۵۰: ۲۹۵-۲۹۴؛ عباسی، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰)

لشت نشاء و خاندان امین الدوله

ازدواج فتحعلی بیگ سینیکی با خواهرزاده‌ی میرزا آقاخان نوری سرآغاز ارتقاء این خاندان محسوب می‌شود (ممتحن الدوله، ۱۳۶۵: ۷۱) میرزا محمد خان مجد الملک سینیکی (۱۲۹۸-۱۲۲۴ ق) توسط خالویش میرزا آقاخان نوری وارد مشاغل دیوانی شد و به مقامات عالییه و وزارت وظایف و اوقاف منصوب گردید (اعتماد السلطنه، مآثر الآثار؛ طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۳۳؛ اعتماد السلطنه، منتظم ناصری: ۲/۱۲۴۳؛ مستوفی، ۱۳۷۱: ۱/۱۲۹) با مرگ مجد الملک در سال ۱۲۹۸ ق، وزارت وظایف و اوقاف به فرزندش میرزا علی خان امین الدوله واگذار شد. وی در سال ۱۲۹۴ ق مدیر مجلس دارالشورای کبری گردید. امین الدوله مانند پدرش مجد الملک روحیه‌ی اصلاح طلب داشت از این رو در موقعیت‌های بدست آمده افکار اصلاحی خود را به منصف ظهور می‌رسانید. اصلاحات پستی، ضرابخانه و احداث کارخانه‌های کبریت‌سازی، قند و بلورسازی از جمله این اقدامات محسوب می‌شود (اعتماد السلطنه، المآثر الآثار، ۱/۱۹۶؛ کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۴۶: ۱۱۵؛ جمالزاده، ۱۳۶۲: ۹۳؛ امینی، ۱۳۸۸: ۲۱) لشت نشاء در دوران ناصرالدین شاه به امین الدوله به عنوان تیول واگذار گردید (فخرایی، ۱۳۵۷: ۸۵)

لازم به ذکر است که مناسبات ارضی در دوران قاجار به ۴ نوع زمین محدود می‌شد این اراضی شامل اراضی شاهی، دیوانی، وقفی و اراضی خصوصی می‌گردید (معدل، ۱۳۸۲: ۸۹؛ لمتون، ۱۳۳۹: ۴۵۹) اراضی تیول جزو اراضی دیوانی محسوب می‌شود که به صورت تیول به دیوان سالاران، شاهزادگان و رؤسا نظامی تعلق می‌گرفت (بشریه، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵) لشت نشاء نیز بدین صورت به شکل تیول به خاندان دیوان سالار امینی واگذار گردید.

با ترور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ ق، و جلوس مظفرالدین شاه، موقعیت امین الدوله ارتقاء یافت. وی در سال ۱۳۱۵ ق بعد از عزل امین السلطان به صدارت منصوب

گردید (سپهر، ۱۳۶۸: ۱۴۸-۱۴۷) امین الدوله فرزند میرزا محسن خان امین الملک را به وزارت گمرکات و خزانه منصوب نمود. و در راستای تحکیم روابطش، مظفرالدین شاه منورالدوله دختر محسن خان مشیر الدوله که در عقد پسرش بود را طلاق داد و اشرف الملوک فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه را به عقد پسرش در آورد (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۱۶۷-۱۶۶؛ سپهر، ۱۳۶۸: ۲۰۶؛ عین السلطنه، ۱۳۸۰: ۲/۱۱۹۶)

فخرالدوله نهمین دختر مظفرالدین شاه از بطن سرور السلطنه حضرت علیا در سال ۱۲۶۱ ش دیده به جهان گشود. مادرش سرور السلطنه حاصل ازدواج فیروز میرزا فرمانفرما و حاجیه هما خانم دختر بهمن میرزا بهاء الدوله بود (افشار، ۱۳۵: ۱/۱۳۶۸؛ عاقلی، ۱۳۸۰: ۳/۱۴۵۴) مشارکت در امور خیریه و کاردانی از ویژگی‌های حاجیه هما خانم و دخترش سرور السلطنه بود. سرور السلطنه بعد از این که به عقد مظفرالدین میرزا درآمد، به حضرت علیا ملقب گردید. وی بعد از جلوس مظفرالدین شاه به یکی از زنان مقتدر و متنفذ دربار تبدیل شد (اتحادیه، ۱۳۸۷: ۳۳) بی شک پیشینه‌ی مادر بزرگ و مادری متنفذ و کاردان در شکل‌گیری شخصیت مستقل و متین فخرالدوله بی‌تاثیر نبوده است.

فخرالدوله دوران کودکی خود را در تبریز سپری کرد شهری که شاهد حوادث و وقایع بسیاری از انقلاب مشروطه و پس از آن بوده است. حضور فخرالدوله در دل این ماجراها در شکل‌گیری شخصیت او تاثیر بسزای داشت فخرالدوله پس از ازدواج به واسطه شرایط محیطی و انزوا طلبی همسرش محسن خان امینی به سرعت وارد عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شد. تجربه حضور وی در اجتماع زنی خود ساخته و فعال با اراده از او نشان داد به گونه‌ای که فخرالدوله را می‌توان یکی از معدود شاهزادگان قاجاری دانست که حضور خود را در عصر پهلوی نیز تثبیت کرد.

وصلت خاندان امین الدوله با خاندان سلطنت، سبب نزدیکی بیش از پیش امین الدوله به مظفرالدین شاه گردید. از اینرو مظفرالدین شاه بخشی از اراضی لشت نشاء را به عنوان

جهیزیه به محسن خان واگذار کرد. البته محسن خان بخشی را نیز به این اسم تصاحب نمود و بخشی دیگر را ابتیاع کرد (معیر الممالک، ۱۳۷۱: ۷۰؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۸۵؛ عباسی، ۱۳۸۷: ۶۶)

روحیه‌ی ترقی خواهانه‌ی امین الدوله سبب توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی در لشت نشاء شد. استخدام اولین پزشک، ساخت راه ارتباطی لشت نشاء کوچصفهان، ساخت اولین مدرسه به نام خسرو پرویز و احداث کارخانه پيله خشک کنی از جمله اقدامات عمرانی امین الدوله در لشت نشاء بود (عباسی، ۱۳۸۷: ۶۶) امین الدوله در سال ۱۳۱۶ ق، از صدارت عزل شد و به لشت نشاء تبعید گردید. محسن خان و فخرالدوله در این تبعید وی را همراهی کردند. امین الدوله سالهای تبعید خود را در عمارتش در جورشر لشت نشاء سپری کرد وی در این دوران به دور از مشغله‌های دیوانی صدارت به امور ملکی و کشاورزی گذرانید و از وضعیت خود خرسند بود (امین الدوله، ۱۳۵۵: ۳۷) سرانجام امین الدوله در ۱۶ صفر ۱۳۲۲ ق در لشت نشاء درگذشت. وی را در بقعه‌ی سیدرضا در ساقی مزار لشت نشاء به خاک سپردند (رایینو، ۱۳۵۰: ۲۹۵؛ فاطمی قمی، ۱۳۸۹: ۱۱؛ راوندی، ۱۳۸۲: ۶/۲۰)

با مرگ امین الدوله، لقب و بخش اعظم اراضی وی به یگانه پسرش محسن خان واگذار شد. از جمله املاکی که به محسن خان امین الدوله به ارث رسید، ملک لشت نشاء بود. محسن خان نیز به تبعیت از امین الدوله بعد از عزلش در سال ۱۳۱۶ ق از مشاغل دیوانی اجتناب و به ملک داری پرداخت اما افسردگی و عزلت‌گزینی وی مانع از تمشیت امور املاکش به ویژه لشت نشاء می گردید (امینی، ۱۳۹۰: ۹۰ و ۳۵ و ۱۱) از اینرو همسرش فخرالدوله به واسطه‌ی روحیه‌ی مشارکت طلبش و به منظور حفظ اموال و املاک خانواده اش به ویژه لشت نشاء که منبع اصلی درآمد ایشان بود (همان: ۶۵) وارد فعالیت‌های اقتصادی گردید.

فخرالدوله به لشت نشاء توجهی خاص داشت کما این که شخصاً به املاک لشت نشاء رسیدگی می کرد. از تاثیر فخرالدوله بر لشت نشاء همین بس که یکی از روستاهای قدیمی این منطقه به نام کولاکسر، به فخرالدوله تغییر نام یافت (عباسی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲)

لشت نشاء و میرزا کریم خان رشتی

میرزا کریم خان رشتی معروف به خان اکبر (۱۳۲۶-۱۲۵۵ ش) از بزرگان خاندان مقتدر و متنفذ امشه ای گیلان محسوب می شود. جد این خاندان حاجی آقاچانی امشه ای، کدخدای امشه از روستاهای توابع رشت و در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی آن - (رزم آرا، ۱۳۲۸: ۲/۲۴) بود. اگرچه وی زمینه ساز اقتدار خاندانش گردید، اما پنج پسر وی بودند که نفوذ و اقتدار این خاندان را به اوج خود رسانیدند. پسران حاجی آقاچانی عبارت بودند از: حاج محمد کاظم خان، یوسف خان، حاجی خان، مهدی خان و اکبرخان. در میان این پسران اکبرخان و حاج محمد کاظم خان از جایگاه خاصی برخوردار گردیدند. اکبرخان ابتدا وارد گمرکات گیلان شد و ثروت سرشاری از اجاره‌ی گمرک انزلی به دست آورد و ملقب به بیگلربیگی گردید (رابینو، ۱۳۵۷: ۹۰؛ بامداد، ۱۳۵۷: ۱/۱۴۵) حاج محمد کاظم خان و کیل الرعایا یا معروف به حاجی و کیل، نه پسر داشت که از میان ایشان، عبدالحسین خان سردار محیی معزالسلطان، عمید السلطان، مجیب السلطان و احمد علی خان مجاهد و میرزا کریم خان رشتی در مشروطیت گیلان منشا اثر شدند (فخرایی، ۱۳۷۱: ۱۱۳؛ افشار، ۱۳۵۹: ۵) حضور حاج محمد کاظم خان و کیل الرعایا در انجمن ملی گیلان و حضور پسرانش در کمیته‌ی ستار و ریاست میرزا کریم خان بر آن کمیته، این خاندان ملاک را به انقلابی ترین خاندان گیلان تبدیل کرد! (فخرایی، ۱۳۷۱: ۱۹۹ و ۱۱۴-۱۱۳) بدین سان شرایط مناسبی جهت بسط اقتدار این خاندان فراهم شد. اجاره‌ی لشت نشاء در سال ۱۳۲۴ ق / ۱۲۸۵ ش، از محسن خان امین الدوله و فخرالدوله در راستای این سیاست انجام یافت (افشار، ۱۳۶۸: ۳۵۵) و لشت نشاء با خاندان میرزا کریم خان مرتبط گردید.

اختلاف خاندان اکبر و خاندان امینی بر سر لشت نشاء

فرصت طلبی ناشی از درک اوضاع در دوران انقلاب مشروطیت سبب اقتدار خاندان اکبر در گیلان گردید. هرچند محسن خان امین الدوله نیز کوشید تا با پرداخت اعانه به انجمن ولایتی از فرصت به دست آمده به سود خود بهره جوید (رابینو، ۱۳۶۸: ۲۴۵-۲۴۱) اما اقدامات سید جلال شهر آشوب عضو انجمن عباسی علیه ملاکین به ویژه امین الدوله در لشت نشاء سبب نیازمندی وی به خاندان امشه ای گردید. کما این که امین الدوله به منظور مقابله با انجمن مزبور احمد علی خان امشه ای پسر حاج محمد کاظم وکیل الرعایا و برادر میرزا کریم خان رشتی را به منطقه متولی و علیه زارعین لشت نشاء تحریک نمود. هرچند زارعین توانستند با کمک انجمن ولایتی گیلان - احمد علی خان را عزل نمایند (همان: ۳۷ - ۳۶ - ۳۲) اما وابستگی امین الدوله به خاندان امشه ای تداوم یافت. به طوری که امین الدوله مؤجر دیگر نتوانست اقدامی علیه مستاجران امشه ای خود در لشت نشاء نماید. در واقع هر چند همراهی خاندان امشه ای با مشروطه خواهان بر نفوذ و اقتدار ایشان در منطقه افزود، انفعال و انزوای امین الدوله سبب کاهش اعتبارش را فراهم نمود.

شرکت میرزا کریم خان و برادرانش در واقعه باغ مدیریه، قتل آقا بالا خان سردار افخم حاکم گیلان در دوران استبداد صغیر، تصرف گیلان توسط ایشان و شرکت فعال در اردوی شمال جهت فتح تهران نمونه هایی از کنش فرصت طلبان این خاندان محسوب می گردد (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۵/۱۰۵۹؛ صفایی، ۱۳۶۳: ۱۰۶۸-۱۰۶۷؛ تقی زاده، ۱۳۶۸: ۱۳۶-۱۳۵) در حالی که رفتار منفعلانه‌ی محسن خان امین الدوله در تحویل دادن پناهندگان مشروطه خواه به پارک امین الدوله در جریان به توپ بستن مجلس (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۷۷۲-۴/۷۷۱) نه تنها موقعیت وی را به شدت نزد مشروطه خواهان متزلزل نمود، بلکه سبب شد تا بعد از فتح تهران توسط اردوی شمال و جنوب، مالکیت ایشان در لشت نشاء در معرض خطر قرار گرفت اما وقایع منجر به اولتیماتوم روسیه و بسته شدن مجلس

دوم سبب قدرت روز افزون روسیه در مناطق شمالی ایران گردید و موقعیت میرزا کریم خان به شدت متزلزل گردید. حمله‌ی روس‌ها به رشت و غارت بازار و خانه‌ی میرزا کریم خان و تبعید وی به قم (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۳۸ و ۲۳۵-۲۳۴؛ بهار، ۱۳۶۳: ۱/۱۶۷) فرصت مناسبی فراروی خاندان امینی گشود. از اینرو فخرالدوله که وکالت حفاظت اموال همسرش محسن خان امین الدوله را بر عهده گرفته بود، از موقعیت نابه سامان میرزا کریم خان سود جست و لشت نشاء را به یکی از اتباع روسیه اجاره داد و خودش نیز به گونه‌ای تحت الحمایه‌ی روس‌ها قرار گرفت (مستوفی، ۱۳۷۱: ۲/۳۱۱؛ کسری، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

میرزا کریم خان در نامه‌ی ای به عدلیه‌ی رشت مسبب همه‌ی نابه سامانی‌ها را نکراسف کنسول روسیه در رشت می‌داند که از وی با نام «میرغضب تزار» یاد کرده است. وی در این خصوص یادآور شده است که «آقای امین الدوله از اواخر ۱۳۲۴ ق املاک لشت نشاء را به میل و طیب خاطر به اصرار به بنده و... اجاره داده بود و تاریخ اجاره اخیر در محرم ۱۳۳۰ ق است که حادثه‌ی فجیع رشت اتفاق افتاد، خانه‌ی من ویران و غارت و وضعیت بنده مشکوک و مبهم بود به میل روس‌ها یا به جهت خوردن مال من و شرکاء در سایه حمایت روس‌ها دست کسان مرا از املاک مستأجره کوتاه و به دیگران اجاره داد... عجب است که با وجود اجاره نامه‌های معتبره و اسناد ثابت به خط و مهر آقای امین الدوله و فخرالدوله بر خلاف هر قانون و هر شریعت فقط به اتکاء حمایت سفارت تزار املاک متأجره را از ید تصرف من و شرکاء متنزع و به دیگری اجاره دادند» (افشار، ۱۳۶۸: ۳۵۶-۳۵۵)

اجاره نامه‌ی تنظیم شده میان فخرالدوله و امین الدوله با میرزا کریم خان رشتی شامل ۳۳ بند بوده است. در این اجاره نامه به میرزا کریم خان حق شرکت و معامله با دیگران داده می‌شود. تاریخ این اجاره نامه، ۱۲ محرم ۱۳۳۰ ق است. در ذیل این اجاره نامه توضیحی لحاظ شده که هرگاه هر کدام از طرفین بر خلاف مفاد سی و سه بندی قرارداد

رفتار کنند، معامله‌ی قبلی از تاریخ فسخ خواهد شد و طرف فسخ کننده باید سی هزار تومان به طرف مقابل پرداخت نماید (همان: ۳۶۲)

در ابتدا تلاش شد مسئله با وساطت محمدولی خان تنکابنی سپه‌دار اعظم حل و فصل شود اما میانجی‌گری وی نیز، به ثمر نرسید (همان: ۳۸۸) از اینرو مسئله‌ی لشت نشاء به صورت رسمی در عدلیه‌ی رشت مطرح شد و امین الدوله، وکالت کلیه‌ی امور را به فخرالدوله واگذار نمود (همان: ۳۷۲) سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان، میرزا کریم خان رشتی موفق شد در ۲۵ محرم ۱۳۳۱ ق، با کمک دولت وقت نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری حکم ضبط لشت نشاء را به سود دولت اخذ نماید. هیئت دولت طی زمانی لشت نشاء را ضبط و از محل محصول و منافع آن مطالبات میرزا کریم خان را پرداخت نمود. همچنین همین هیئت دولت که قبلاً رای به نفع فخرالدوله و امین الدوله داده بود را، از درجه اعتبار ساقط نمود (همان: ۳۷۴-۳۷۳)

ضبط لشت نشاء توسط دولت، موجبات خشم دولت روسیه تزاری را فراهم نمود. پالکوفسکی وزیر مختار روسیه مراتب اعتراض دولت خود و حمایت از فخرالدوله و امین الدوله را اعلام نمود. پالکوفسکی علت تحت‌الحمایگی امین الدوله به روسیه را تعدیات و اجحافات میرزا کریم خان و برادرانش قلمداد نمود. وی همچنین صریحاً از دولت درخواست نمود هرچه سریع‌تر فرمان الغای ضبط لشت نشاء را صادر نماید (همان: ۳۷۵-۳۷۴) اما وزارت خارجه صریحاً با درخواست دولت روسیه مخالفت کرد (همان: ۳۸۰) بدین ترتیب مسئله‌ی لشت نشاء کماکان لاینحل باقی ماند تا اینکه جنبش جنگل نضج گرفت.

سابقه‌ی آشنایی میرزا کوچک خان با اهالی لشت نشاء به دوران انقلاب مشروطیت بازمی‌گردد. حمایت میرزا از زارعین لشت نشاء سبب محبوبیت وی در این منطقه گردیده بود (گیلک، ۱۳۷۱: ۹) از اینرو نفوذ جنگلی‌ها بر این منطقه بسیار گسترده بود. در رمضان

سال ۱۳۳۵ ق، امین الدوله برای سرکشی به املاک خود به لشت نشاء رفت ولی توسط جنگلی‌ها دستگیر شد و سرانجام با مساعی فخرالدوله و میانجی‌گری‌های میرزاعلی‌خان ظهیرالدوله صفاعلی‌شاه و پرداخت هفتاد هزار تومان، امین الدوله بعد از سه ماه و نیم اسارت در ۱۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۵ ق / ۱۴ مهر ۱۲۹۶ ش آزاد شد (صدای ایران، س ۱، ش ۲۹، ۲۶ رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۱؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۸۷؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۵۷-۵۵)

با نگاهی به "اسناد گرفتاری محسن خان امین الدوله در جنگل" (افشار، ۱۳۶۳: ۳۷۸-۳۶۸) نکته‌ای که ذهن خواننده را به خود معطوف می‌نماید همانا عدم حضور میرزا کریم خان در این ماجراست. به نظر می‌رسد کم‌توجهی میرزا و سایر بزرگان جنگل به خاندان امشه‌ای موجب شد تا میرزا کریم خان رشتی نتواند از این موقعیت مناسب پیش آمده بهره‌مند گردد البته علی‌امینی بدون ارائه‌ی هیچ‌گونه سند و مدرک مستدل یادآور شد که "انقلابیون جنگل، امین الدوله را به گروگان گرفتند و به مادرم پیغام دادند به ازای آزادی او صد هزار تومان بفرستد. مادر املاک موروثی خود را در خیابان لاله زار فروخت و پول را فرستاد. اما پیش از آزادی، میرزا کریم خان رشتی که با جنگلی‌ها کنار آمده بود به عنوان دستمزد حق حفاظت خود یک سند اجاره نامه لشت نشاء بخشیده شده راهم از پدرم گرفت و پدر آزاد شد (امینی، ۱۳۹۰: ۳۹-۳۸)

ایرج امینی نیز به نقل از پدرش با اندکی جرح و تعدیل ماجرا را به همین نحو توضیح داده است (امینی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۶) به نظر می‌رسد علی‌امینی با طرح این ماجرا خواسته تا دستگیری پدرش توسط جنگلی‌ها را ناشی از تحریکات میرزا کریم خان قلمداد نماید، نه تعدیاتی وی پدرش نسبت به زارعین لشت نشاء که جنگلی‌ها در ۲۶ شعبان ۱۳۳۵ ق، در گزارشی کامل در روزنامه‌ی خود شرح تعدیاتی را منعکس نموده اند (جنگل، س ۱، ش ۲۶، ۲ شعبان ۱۳۳۵، ص ۳) از سویی مناسبات محترمانه و شرافتمندانه میرزا با فخرالدوله را نباید از نظر دور نگاه داشت زیرا فخرالدوله، بعد از آزادی همسرش طی

بیانیه ای میرزا را به واسطه‌ی همین رفتار محترمانه و شرافتمندانه ستود (کوکب ایران، س ۳، ش ۱۲، ۱۸ رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۱)

فخرالدوله بعد از آزادی امین الدوله، با قدرتی دوچندان وارد کارزار حقوقی با میرزا کریم خان گردید. وی در بیانیه ای تمامی مدعیان مالکیت لشت نشاء را به رویارویی فراخواند. فخرالدوله در بیانیه‌ی مطبوعاتی خود یادآور شد که هر کس بر من ادعایی دارد، عدلیه مفتوح و اصل ۷۱ قانون اساسی حافظ حدود و حقوق عمومی است... غیر از راه عدلیه برای هیچ مذاکره راجع به هیچ کس حاضر نیستم (همان جا) قاطعیت فخرالدوله در حل مسئله‌ی لشت نشاء سبب شد تا قهرمان میرزا سالور عین السلطنه پسر عموی پدرش در مورد محسن خان امین الدوله چنین بنویسد: «امورات امین الدوله را کلیتاً این زن اداره می کند. خودش داخل آدم نیست» (عین السلطنه، ۱۳۷۸: ۴۸۲۵ / ۶)

به نظر می رسد وثوق الدوله همزمان با سرکوب جنگلی ها، در صدد حل مسئله لشت نشاء برآمده باشد زیرا وی در شوال ۱۳۳۷ ق / مرداد ۱۲۹۸ ش، سید محمد فاطمی قمی مستشار دیوان تمییز را جهت حل مسئله به رشت اعزام نمود اما موفقیتی حاصل ننمود (فاطمی، ۱۳۸۹: ۷۳)

کودتای ۱۲۹۹ ش، موقعیت فخرالدوله را در مسئله‌ی لشت نشاء دچار مخاطره ایی ژرف نمود. زیرا مشهور است که میرزا کریم خان، رضاخان را از طریق اردشیر ریپوترجی به ژنرال آیرون ساید در جهت تمهید مقدمات کودتای ۱۲۹۹ ش، معرفی کرده است (امینی، ۱۳۹۰: ۳۶) علی امینی تصویر دهشتناکی از پیامدهای کودتای ۱۲۹۹ ش، بر خانواده اش ارائه داده است. وی در این خصوص می نویسد: «به فرمان سید ضیاء بگیر و ببند را شروع کردند... همگی از خانه گریختیم. مادرم ما را در خانه‌ی یکی از مستخدمین خانه جا داد. صبح سحر یک کالسکه تهیه کرده بود که پدرم و مرا با آن روانه‌ی قم کرد. خودش و سایرین از پشت سر آمدند... در قم بودیم خبر آوردند از

عدلیه ابلاغیه ای آورده اند به منزلتان پارک امین الدوله و چون نبوده اید به چنار جلوی در چسبانده اند. میرزا کریم خان که از روس ها نومید شده بود با سفارت انگلیس مربوط شده می خواست به زور سید ضیاء لشت نشاء را مالک شود» (همان: ۳۹) بدین ترتیب میرزا کریم خان اقدام به اقامه‌ی مجدد دعوی نمود و پرونده‌ی لشت نشاء را از عدلیه رشت به تهران منتقل نمود.

حوادث ناشی از کودتای ۱۲۹۹ ش، سبب نزدیکی فخرالدوله به رضا خان گردید. همسویی فخرالدوله، با رضا خان در سرنگونی سید ضیاء (همان: ۴۲-۴۰) که دشمن خانواده‌ی فخرالدوله و خالویش فرمانفرما و رقیب رضاخان محسوب می شد، اولین همکاری مشترک سیاسی میان ایشان بود. علی‌امینی در گزارشی از دودیدار میان فخرالدوله و رضاخان در دوران دولت سید ضیاء ارائه نموده است (همان جا)

اگر گزارش اغراق آمیز علی‌امینی در خصوص نقش موثر فخرالدوله در سرنگونی سید ضیاء پذیرفته شود این سوال مطرح خواهد شد که رضاخان بعد از سقوط سید ضیاء دیگر چه نیازی به فخرالدوله داشته است؟ در حالی که برخی براین باورند که رضاخان در این دوران به واسطه‌ی میرزا کریم خان رشتی با سفارت انگلیس در تماس بوده است (فردوست، ۱۳۸۱: ۲۸۶ و ۸۳) اگرچه از زمان سقوط سید ضیاء تا رئیس‌الوزرای رضا خان هیچ پیشرفتی در مسئله‌ی لشت نشاء حاصل نشد و این ملک کماکان در اختیار میرزا کریم خان بود. اما به نظر می‌رسد پس از آن که میرزا کریم خان نقش موثری در رئیس‌الوزرای رضاخان ایفا نمود (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱/۱۷۲) دوران کارایی وی نیز خاتمه‌یافته بود. از این رو رضاخان در صدد جلب نظر واپسین نیروی موثر اجتماعی یعنی ملاکین و اشراف قاجار برآمد.

حمایت رضاخان از رضوی قاضی پرونده لشت نشاء که سرانجام به نفع فخرالدوله رای صادر کرد (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۵۲) نخستین علایم پیدایش تمایل رضاخان به

فخرالدوله بود. گزارش بهبودی در این خصوص بسیار راهگشاست. وی ذیل وقایع ۲۳ اسفند ۱۳۰۲ ش می نویسد: "شاهزاده فرمانفرما راجع به کار میرزا کریم خان رشتی به اتفاق فخرالدوله شرفیاب شدند و در حضور حضرت اشرف - رضاخان - دعوی لشت نشاء را مطرح کردند" (بهبودی، ۱۳۷۲: ۱۱۹). به نظر می رسد تصور میرزا کریم خان مبنی بر مورد حمایت قرارگرفتنش توسط رضاخان وی را به پذیرش حکمیت رضاخان ترغیب کرده باشد. بهبودی در این خصوص یادآور شده که عاقبت فرمانفرما پادرمیانی کرد و هر دو طرف حکمیت رضاخان را قبول کردند. سرانجام رضا خان به سود فخرالدوله حکم نمود (همان جا) و حمایت بخشی از شاهزادگان قاجار در کسب مقام سلطنت را به دست آورد. بدین سان با به سلطنت رسیدن رضاشاه، کارایی شاهزادگان قاجار نیز خاتمه یافت.

میرزا کریم خان بعد از ناکامی در دعوی لشت نشاء از سویی کماکان با تحریک خرده مالکان و اهالی لشت نشاء علیه فخرالدوله به مخالفت با وی ادامه داد (اسناد مجلس شورای ملی، ش ۲۳۳۴؛ ۵۵/۹؛ ۶۸۶۶) و از سوی دیگر به واسطه انتقاد از حکمیت رضا خان، موجبات تیره روابط رضاخان با خود را فراهم نموده کما اینکه سرانجام مورد غضب رضا شاه قرار گرفت و به کاشان تبعید شد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۴/۱).

اگرچه میرزا کریم خان بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش، به واسطه روابط نزدیک با سفارت انگلیس مورد توجه پهلوی دوم قرار گرفت و با عنوان مشاور پهلوی دوم تا زمان مرگش در سال ۱۳۲۶ ش، یکی از محارم وی محسوب می شد (الموتی، ۱۳۶۸: ۳۵۶ و ۳۵۳) اما هیچ گاه فرصت طرح دعوی لشت نشاء را نیافت. فخرالدوله نیز بعد از پیروزی در دعوی لشت نشاء به جای حضور در محافل سیاسی بیشتر به امور اقتصادی و ملکی پرداخت. کما اینکه لشت نشاء در اثر کاردانی و تدابیر وی پیشرفت چشمگیری نمود. با مرگ فخرالدوله در سال ۱۳۳۴ ش لشت نشاء کماکان در ملکیت خاندان امینی باقی ماند تا اینکه سرانجام در دولت علی امینی، لشت نشاء به واسطه اصلاحات ارضی به دهقانان واگذار گردید (امینی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

نتیجه‌گیری

مرگ میرزا علی خان امین الدوله در سال ۱۳۲۲ ق، و انزوای و محافظه‌کاری محسن خان در انقلاب مشروطیت و به ویژه حوادث پارک امین الدوله، خاندان امینی را به حاشیه‌ی سیاسی جامعه‌ی ایران راند. چالش سیاسی خاندان امینی، فرصتی بی‌بدیل فراروی میرزا کریم خان رشتی گشود. از اینرو فخرالدوله به منظور حفظ املاک خانوادگی اش وارد دعوی ملکی با میرزا کریم خان رشتی شد. اگرچه ورود فخرالدوله به مسئله‌ی لشت نشاء در بادی امر از سوی میرزا کریم خان چندان جدی گرفته نشد، اما کفایت و درایت سیاسی فخرالدوله در سایه سار فرصت حداکثری از شرایط مساعد سیاسی پدیده‌ی ای ایجاد نمود که تا آن هنگام بی سابقه بود. البته پیروزی حقوقی فخرالدوله بر میرزا کریم خان رشتی ریشه در شرایط سیاسی دوران رئیس‌الوزرای رضا خان داشت. توضیح آنکه فخرالدوله به نیکی دریافته بود که رضا خان جهت برداشتن آخرین گام به سوی قدرت نیازمند نیروی اجتماعی موثر شاهزادگان و اشراف قاجار است که در شخصیت فرمانفرما یعنی خالوی فخرالدوله تجلی یافته بود. از این رو عدم حمایت رضا خان از میرزا کریم خان و حمایت از فخرالدوله را می‌توان در جلب حمایت اشراف قاجار ارزیابی کرد. حمایتی که سرانجام منجر به تاسیس سلسله‌ی پهلوی گردید.

کتابنامه:

۱. ابتهاج، ابوالحسن، ۱۳۷۱، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، تهران، علمی، جلد
۲. اتحادیه، منصوره، ۱۳۸۷، *زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری نموده اند*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۳. *اطلس گیتاشناسی استانهای ایران*، ۱۳۸۳، تهران، موسسه مطالعات جغرافیایی.

۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن، ۱۳۶۲، **المآثر والآثار**، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ج ۱ و ۲
۵. اعتماد السلطنه، محمد حسن، ۱۳۶۴، **تاریخ منتظم ناصری**، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
۶. افشار، ایرج، ۱۳۵۹، **اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی زاده**، تهران، جاویدان.
۷. افشار، ایرج، ۱۳۶۸، **قباله تاریخ ایران**، تهران، طلایه.
۸. افضل الملک، غلامحسین، ۱۳۶۱، **افضل التواریخ**، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.
۹. امین الدوله، میرزا علی خان، ۱۳۵۵، **خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله**، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، امیر کبیر.
۱۰. امینی، ایرج، ۱۳۸۸، **بر بال بحران**، تهران، ماهی.
۱۱. امینی، علی، ۱۳۹۰، **خاطرات علی امینی**، به کوشش یعقوب توکلی، تهران، تهران، سوره مهر.
۱۲. بامداد، مهدی، ۱۳۵۷، **شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری**، زیر نظر ذبیح الله علی زاده، تهران، فردوسی.
۱۳. بشریه، حسین، (۱۳۸۱)، **دبیاچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی**، تهران: نگاه معاصر
۱۴. بهار، محمد تقی، ۱۳۶۳، **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران**، تهران، امیر کبیر، ج ۱.

۱۵. بهبودی، سلیمان، ۱۳۷۲، **خاطرات سلیمان بهبودی**، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران طرح نو.
۱۶. پاینده، محمود، ۱۳۵۷، **قیام غریب شاه گیلانی**، تهران، سحر.
۱۷. جان زاده، علی، ۱۳۷۱، **خاطرات سیاسی ایران از مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد**، ۱۳۳۲، تهران، جان زاده.
۱۸. جمالزاده، محمد علی، ۱۳۶۲، **گنج شایگان**، تهران، کتاب تهران.
۱۹. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۷۱، **فرهنگ تاریخی شهرهای ایران**، تهران، کوشش.
۲۰. رابینو، ه. ل. ۱۳۵۷، **ولایات دارالمرز گیلان**، ترجمه جعفرزاده، رشت، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۱. رابینو، ه. ل. ۱۳۶۸، **مشروطه گیلان از یادداشت های رابینو**، به کوشش محمد روشن، رشت.
۲۲. رابینو، ه. ی، ۱۳۵۰، **ولایات دارالمرز ایران (گیلان)**، ترجمه جعفرزاده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۳. راوندی، مرتضی، ۱۳۸۲، **تاریخ اجتماعی ایران**، ج، تهران، نگاه.
۲۴. رزم آرا، حسینعلی، ۱۳۲۸، **فرهنگ جغرافیایی ایران**، تهران، سازمان جغرافیایی کشور، ج ۲.
۲۵. شایان، عباس، ۱۳۲۷، **شرح حال رجال مازندران**، تهران.
۲۶. شیخ الاسلامی، محمدجواد، ۱۳۶۹، **اعمال افزایش نفوذ سیاسی روس و انگلیس در ایران عصر قاجار**، تهران، کیهان.
۲۷. صفایی، ابراهیم، ۱۳۶۳، **رهبران مشروطه دوره اول**، تهران، جاویدان.

۲۸. طباطبایی، جواد، ۱۳۸۴، **مکتب تبریز و مبنای تجدد خواهی**، تبریز، ستوده.
۲۹. طباطبایی، حسین، ۱۳۸۲، **حکایت هایی از رجال عصر پهلوی**، تهران، آبی.
۳۰. عاقلی، باقر، ۱۳۸۰، **شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران**، تهران، گفتار، ج ۱.
۳۱. عباسی، هوشنگ، ۱۳۸۷، **لشت نساء سرزمین عادلشاه**، رشت.
۳۲. عین السلطنه سالور، قهرمان میرزا، ۱۳۷۸، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، به کوشش ایرج افشار، مسعود سالور، تهران، اساطیر، ج ۶
۳۳. عین السلطنه، ۱۳۸۰، **خاطرات عین السلطنه**، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۳۴. فاطمی قمی، سید محمد، ۱۳۸۹، **خاطرات سید محمد فاطمی قمی** (مستشار دیوان تمیز)، تصحیح و توضیحات حسن زندیه، مقدمه احمد رضا نائینی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۵. فخرایی، ابراهیم، ۱۳۵۷، **سردار جنگل**، تهران، جاویدان.
۳۶. فخرایی، ابراهیم، ۱۳۷۱، **گیلان در جنبش مشروطیت**، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۷. فردوست، حسین، ۱۳۸۱، **خاطرات فردوست**، به کوشش عبدالله شهبازی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۳۸. فومنی گیلانی، عبدالفتاح، ۱۳۹۰، **تاریخ گیلان**، رشت، فرهنگ ایلیا.
۳۹. کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۴۶، **تاریخ بیداری ایرانیان**، به اهتمام سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

۴۰. کسری، نیلوفر، ۱۳۸۹، *زنان در تاریخ معاصر ایران*، تهران، بدرقه جاویدان.
۴۱. گیلک، محمد علی، ۱۳۷۱، *تاریخ انقلاب جنگل* (به روایت شاهدان عینی)، رشت، گیلکان.
۴۲. لمبتون، ا. ک. س (۱۳۳۹). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه.
۴۳. مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۱، *شرح زندگانی من*، تهران، زوار، ج ۲.
۴۴. معدل، منصور (۱۳۸۲). *سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*، ترجمه محمد سالار کسرای، تهران: باز.
۴۵. معیرالممالک، دوستعلی خان، ۱۳۷۱، *رجال عصر ناصری*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۴۶. ملک زاده، مهدی، ۱۳۶۳، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، علمی، ج ۴.
۴۷. ملک، سرجان، ۱۳۶۲، *تاریخ ایران*، ترجمه *میرزا اسماعیل حیرت*، تهران، دنیای کتاب.
۴۸. ممتحن الدوله، ۱۳۶۵، *رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری*، تهران، اساطیر.
۴۹. الموتی، مصطفی، ۱۳۶۸، *ایران در عصر پهلوی* (پهلوی دوم در فراز و نشیب)، لندن، پکا، ج ۴.
۵۰. مهدوی لاهیجانی، مهدی، بی تا، *رجال دو هزار ساله گیلان*، نجف، بی نا.
۵۱. هدایت، رضا قلی خان، ۱۳۸۰، *روضه الصفاى ناصری*، تصحیح جمشید کیانفر،

تهران، اساطیر، ج ۱۴.

نشریات

۱. روزنامه صدای ایران، س ۱، ش ۲۹، ۲۶ رمضان ۱۳۳۵ق، ص ۱.
۲. روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ۲۶ شعبان ۱۳۳۵ق، ص ۳.
۳. روزنامه کوبک ایران، س ۳، ش ۱۲، ۱۸ رمضان ۱۳۳۵ق، ص ۱.

مقالات

۱. امین، سید حسن، ۱۳۹۰، "میرزار کریم خان رشتی" حافظ. ش ۸۴، مرداد، ۱۳۹۰.

اسناد

۱. کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی سند شماره ۵۵۰۹.
۲. کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی سند شماره ۶۸۶۶.
۳. کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی سند شماره ۲۳۳۴.